

بوستان خیال

میر محمد تقی جعفری حسینی احمدآبادی

نگارش در ۱۱۷۱ هجری قمری

تصحیح و مقدمه

سید کمال حاج سید جوادی

با همکاری

پوران زینالی



پژوهشگاه هنر

۱۳۹۲

سرشناسه: جعفری حسینی احمدآبادی، میرمحمد تقی، نگارش ۱۳۷۱ هجری قمری

عنوان قرارداد: بوستان خیال، برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: بوستان خیال / [میرمحمد تقی جعفری حسینی احمدآبادی]: تصحیح و مقدمه

سیدکمال حاج سیدجواد؛ با همکاری پوران زینالی

مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۷۲۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۴۹۱-۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فبا

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۲ ق.

شناسه افزوده: حاج سیدجواد، سیدکمال، ۱۳۳۰- مصحح

شناسه افزوده: زینالی، پوران

شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر

رده‌بندی کنگره: PIR ۶۰۶۷/۱۹ ۱۳۹۲

رده‌بندی دیوبی: ۸ فا ۳/۵

شماره کتابشناسی: ۳۲۱۷۶۵۱



پژوهشکده هنر

بوستان خیال

تصحیح و مقدمه: سیدکمال حاج سیدجواد

ناشر: پژوهشکده هنر

حروف چینی و صفحه‌آرایی: مریم پورعلی

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ: جزایری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۴۹۱-۵-۹

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

گروه تاریخ هنر پژوهشکده هنر، بخش احیای نسخه‌های خطی و ارزشمند فارسی با موضوع هنر

نشانی: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع امام خمینی، کوچه شهید حسن سخنور، پلاک ۲۹، پژوهشکده هنر

تلفن: ۶۶۹۵۶۱۹۰-۲ نمابر: ۶۶۴۸۰۹۴۵ کدپستی: ۱۱۳۷۴۳۶۸۱۱

سخن ناشر

ایران با سابقه‌ای درخشان و چشمگیر در فرهنگ و تمدن، میراثی گرانبها از دانش، حکمت، ادب و هنر به پا ساخته و در گذر زمان، روابط و تعاملات فرهنگی بسیار گسترده‌ای با تمدن‌های بزرگ خاور و باختر داشته است. این روابط بینا فرهنگی در دوره اسلامی و پیش از آن، زمینه‌ساز تعاملات گسترده‌ای در حوزه هنر بوده است. ایرانیان از یکسو آنچه با دین و آیین و نیازهای بومی فرهنگی و اجتماعی‌شان سازگار بوده است آگاهانه و روشمندانه از فرهنگ سایر ملل دریافت کرده‌اند و از سوی دیگر همواره نقش عمیق و فزونی در فرهنگ و هنر جوامع مختلف داشته‌اند.

جریان‌های فکری و اندیشه‌ورزی‌های تمدن‌ساز همواره در بستر تلاش روشمند، مسئله‌محور و هدفمند دانشمندان، پژوهشگران و فرهیختگان جوامع شکل گرفته است. بیشک دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ بشر حاصل هم‌افزایی دانش و پژوهش اندیشمندانی است که با همفکری و هم‌اندیشی به نشر دستاوردهای پژوهشی خود پرداخته و الگوها و روش‌هایی بدیع و خلاقانه برای تبیین مسائل دنیوی و اخروی و رشد فضیلت‌های انسانی ارائه داده‌اند.

هنر به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی ظهور و بروز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زیستی و فرهنگی انسان‌ها داشته و نقشی محوری را در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و انحراف جوامع ایفا کرده است. هنر هر جامعه‌ای در بستر فکری و فرهنگی، دینی و اعتقادی و مطابق با شرایط تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن جامعه شکل می‌گیرد و مطالعه، تحقیق و نظریه‌پردازی در حوزه فرهنگ و هنر، تلمذ و بسیار گسترده، متنوع و پرجاذبه‌ای را پیش روی پژوهشگران و علاقمندان هنر می‌گشاید. با این حال، چنین فعالیت‌هایی مستلزم بسترهای فکری و معرفتی، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، اصول ساختاری و روشی، و منابع مادی و معنوی‌ای است که جامعه و نهادهای اجتماعی برای محققان و اندیشمندان فراهم می‌سازند، زیرا مطالعات و

پژوهش‌های پر دامنه، روشمند، منسجم و مستمر، و آگاهی از نتایج تحقیقات دیگران، بدون تحقق این بسترها و زمینه‌ها حاصل نمی‌شود.

نتایج و دستاوردهای نظری و عملی چنین مطالعات و پژوهش‌هایی، راه‌های جدید و روشنی را در رشد معرفتی و فرهنگی افراد بشر و بسط تعاملات اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌نهد و بینش‌ها، نگرش‌ها و چشم‌اندازهای نویی را پیش‌روی هنرجویان و هنرپژوهان می‌گذارد. از این رو، توجه به مطالعه، پژوهش، نقد، و نظریه‌پردازی در حوزه هنر بر اساس نیازهای بومی از نیازهای اساسی حیات فرهنگی ایران اسلامی به شمار می‌آید که فقدان آن، منجر به فهم نادرست، تکرار یا پی‌روی از نظریه‌های غیروبومی در پژوهش‌ها و مطالعات هنر ایرانی - اسلامی و غفلت از نیازها، تعلقات و پیشینه تاریخی خویش می‌گردد.

پیوند عمیق بین عمل و نظر، یا به تعبیری حکمت عملی و حکمت نظری، در سنت فرهنگی این مرز و بوم ریشه‌دار و بنیادینه بوده است. اما در دهه‌های اخیر، یکی از آسیب‌های جدی فعالیت‌های هنری شکاف بین نظر و عمل بوده است. لذا مطالعات نظری و فعالیت‌های پژوهشی باید به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر در سیاست‌گذاری فرهنگی و هنری مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشکده هنر (وابسته به فرهنگستان هنر) در راستای تمهید و گسترش زمینه‌های مطالعات و پژوهش‌های بنیادین، توسعه‌ای و کاربردی در حوزه هنر، نقد و بررسی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های هنری بر اساس معیارهای متعارف جوامع علمی و پژوهشی، و ایجاد بسترهای ارائه نظریه‌های کارآمد هنری، متناسب با نیازها و ارزش‌های دینی، ملی و بومی جامعه ایرانی، با دعوت از استادان و پژوهشگران فرهیخته و پرتلاش حوزه فرهنگ و هنر، برآن است به نشر آثار و منابع تخصصی و عالمانه در قلمرو هنر بپردازد.

کتاب بوستان خیال تلاشی است در راستای نشر آگاهی، دانش و بسط مطالعه پژوهش. امید است این کتاب، برای صاحبان خرد و دانایی و فرزاندان و علاقمندان به فرهنگ و هنر این مرز و بوم به ویژه هنرجویان و هنرپژوهان، مفید و راهگشا باشد.

فهرست مطالب

مقدمه مصحح.....	سیزده
مقدمه.....	۱
آغاز داستان قصه شاه بلنداقبال، پدر شهزاده ممتاز.....	۵
روانه شدن شهزاده ممتاز برای آوردن ملکه بی نظیر و.....	۷
به سلامت برآمدن شهزاده از دریا و افتادن به ملک غولان.....	۱۳
رسیدن شهزاده ممتاز به شهر ملکه بی نظیر و با او ملاقات کردن.....	۲۴
رفتن شهزاده ممتاز برای طلب ملکه مهاسندر پری.....	۳۷
آمدن مهاسندر نزد جوکی و بعد بحث بسیار مطلع شدن او بر حال شهزاده.....	۴۲
تعمش به هم رسانیدن روزافروز پری بر شاهزاده.....	۵۶
آوردن شهزاده ممتاز را ملکه مهاسندر از بردن گوه ناف.....	۷۳
مطلع شدن دل افروز از عشق روزافروز بر شهزاده.....	۷۹
انتقام کشیدن شهزاده از دل افروز پری و رفتن نزد مهاسندر.....	۸۶
به صورت اصلی برآمدن مهاسندر به سعی شهزاده.....	۹۸
رفتن مهاسندر باز به خدمت راجه و سرافراز شدن.....	۱۰۳
طلب نمودن راجه اندر شهزاده ممتاز را به کمال خواهش.....	۱۰۷
روانه شدن شهزاده مع مهاسندر به شهر ملکه بی نظیر.....	۱۱۲
در احوال دمساز وزیرزاده که از دریا سلامت برآمده و از شهزاده جدا افتاد.....	۱۲۱
گرفتار شدن دمساز به تهمت دزدی به دست مردم.....	۱۲۷
برآمدن مهرانگیز با دمساز از شهر پدر خود و رسیدن به ملک گنجورشاه.....	۱۳۷
برآوردن مهرانگیز دمساز را از چاه و صحت یافتن او.....	۱۴۴
جلد دوم از کتاب بوستان خیال.....	۱۶۱
رفتن شهزاده ممتاز برای طلب دوله راجرانی از شهر ملکه بی نظیر.....	۱۶۱

- آمدن سوداگر و خریدن شهزاده را از آن قوم و بردن به خانه خویش..... ۱۶۶
- چاره جستن شهزاده برای رهایی خویش..... ۱۶۹
- طلب داشتن تهورشاه سوداگر پدر دختر را از ملک او..... ۱۸۰
- روانه شدن شهزاده از شهر تهور شاه پادشاه آدم خواران به شهر ملکه ماه‌عذار..... ۱۸۷
- روانه شدن برریزشاه بمعنه شهزاده ممتاز..... ۱۹۷
- مصلحت نمودن راج‌رانی به امرا و وزرای خود در باب صلح و جنگ..... ۲۰۳
- اظهار ساختن راج‌رانی علوم هفت‌گانه را و جواب دادن شهزاده..... ۲۰۶
- مراجعت کردن شهزاده به شهر ملکه بی‌نظیر..... ۲۲۲
- جلد سوم از کتاب بوستان خیال..... ۲۳۵
- اراده نمودن شهزاده برای آوردن چهر کت یک‌دانه مروارید ملکه جهان‌بانو..... ۲۳۵
- برآمدن شهزاده از شکم اژدها و رسیدن به خانه قسطاس خرس وزیر دیوارنایس..... ۲۴۲
- ملاقات کردن شهزاده با آرام جان، دختر خواجه بزرگ وزیرشاه زرین‌کلاه..... ۲۵۰
- سواد نامه شهزاده که به ملکه جهان‌بانو نوشته فرستاد..... ۲۶۰
- رفتن آرام جان به پیش ملکه جهان‌بانو و ملاقات کردن با هم..... ۲۶۴
- سواد نامه ملکه جهان‌بانو که در جواب شهزاده مختار نوشته..... ۲۶۷
- استفسار نمودن ملکه جهان‌بانو طرح قتلش را از دیوارنایس..... ۲۷۳
- کمر بستن شهزاده ممتاز به عزم قتل دیوارنایس و باروت تبار کردن..... ۲۸۲
- روانه شدن دیوارنایس به اراده شهزاده و ملکه و آرام جان..... ۲۸۵
- آمدن سرخیلان دیوزادان اطراف و جوانب برای ملازمت شهزاده..... ۲۹۰
- تاج‌بخشی نمودن شهزاده به سرخیل بن سرخیل بن قرطاس شاه جنج..... ۲۹۵
- خبر رسانیدن خواجه بزرگ به شاه زرین‌کلاه از آمدن ملکه جهان‌بانو..... ۳۰۹
- ملاقات نمودن شهزاده ممتاز با شاه زرین‌کلاه..... ۳۱۵
- روانه شدن شهزاده ممتاز از شهر شاه زرین‌کلاه..... ۳۲
- جلد چهارم از کتاب بوستان خیال..... ۳۳۱

- در ذکر برآمدن شهزاده ممتاز برای آوردن ادره محل ملکه خورشیدطلعت پری..... ۳۳۱
- رسیدن شهزاده به بوستان ارم تختگاه ایغورشاه دیوزاد..... ۳۳۸
- رسیدن نامه کیوان شاه به ایغورشاه در باب طلب رسد و کمک خود..... ۳۴۲
- روانه شدن شهزاده ممتاز با اسباب ضروری و غله به شهر کیوانشاه..... ۳۴۹
- داخل شدن شهزاده به شهر و ملاقات نمودن به کیوانشاه..... ۳۵۶
- طلب داشتن شهزاده ممتاز سرخ نیل شاه را از ملک دیو ارنائیس..... ۳۶۲
- آمدن شهزاده به حضور کیوانشاه و زنده گذراندن چارپهلو چارشانه را..... ۳۶۸
- کوچ کردن شهزاده ممتاز از شهر کیوانشاه به جانب شهر ملکه بی نظیر..... ۳۷۲
- عاشق گشتن شهزاده دیهیمشاه بر ملکه خورشیدطلعت..... ۳۷۶
- رفتن ملکه خورشیدطلعت پری به حضور شهزاده ممتاز..... ۳۸۵
- تجسس نمودن دمساز ملکه خورشیدطلعت را..... ۴۰۲
- گفتن دمساز حقیقت زنگی را به حضور شهزاده دیهیمشاه به ساختگی..... ۴۱۲
- صحت یافتن شهزاده ممتاز..... ۴۱۸
- بردن دمساز دیهیمشاه را به خانه شهزاده ممتاز..... ۴۲۳
- فرستادن دیهیمشاه ملکه خورشیدطلعت را با مرجانه شیطان..... ۴۳۲
- روانه شدن ممتاز به شهر ملکه بی نظیر معه دمساز..... ۴۳۷
- جلد پنجم از کتاب بوستان خیال..... ۴۴۹
- روانه شدن شهزاده ممتاز برای آوردن رانی چندربدن به ملک بوقلمون جادو..... ۴۴۹
- کوچ کردن شهزاده ممتاز به طرف باغچه پرفن جادو..... ۴۶۰
- خبر یافتن پرفن جادو از رسیدن شهزاده ممتاز به باغ گنبد گردان..... ۴۶۶
- رسیدن شهزاده ممتاز به سرحد طلسم آدمزبا..... ۴۷۷
- خبر یافتن بوقلمون جادو از فتح شهزاده ممتاز و شکستن طلسم آدمزبا..... ۴۸۲
- ساختن شهزاده تاج الملوک خود را به شکل شیرنگ جادو..... ۴۹۲
- شنیدن بوقلمون جادو خبر طهموسک زندانبان و به جلاجل خانه رفته..... ۵۰۲

- روانه شدن شهزاده ممتاز از طلسم آدم ربا به طلسم سنگلاخ... ۵۰۶
- آگاهی یافتن بوقلمون جادو از قتل شدن اسود جادو... ۵۱۲
- ملاقات کردن ممتازشاه با ملکه قمرطلعت پری... ۵۱۷
- تاختن پُرفتن جادو به حکم بوقلمون جادو بر لشکر شهزاده... ۵۲۲
- نمودن شهزاده ممتاز سیر لشکر خود و رسیدن پُرفتن جادو در رزمگاه... ۵۳۱
- روانه شدن شهزاده ممتاز از طلسم سنگلاخ به طلسم نیرنجات... ۵۳۸
- بردن بوقلمون جادو شهزاده ممتاز را از رزمگاه... ۵۴۳
- مشورت نمودن ممتاز و تاج الملوک در باب رهایی ممتازشاه... ۵۴۶
- روانه شدن شهزاده ممتاز از طلسم نیرنجات به طلسم هفت جوش... ۵۵۸
- خبر یافتن بوقلمون از شکستن طلسم هفت جوش و قتل اصفرجادو... ۵۶۸
- رها ساختن پُرفتن جادو شهزاده ممتاز را بمع قمرطلعت... ۵۷۴
- روانه شدن ممتازشاه از طلسم هفت جوش به طلسم هزارآفت... ۵۸۳
- باخبر گشتن بوقلمون از خرابی طلسم هزارآفت و کشته شدن اخضر جادو... ۵۹۰
- آمدن شهزاده ممتاز از ملک تهورشاه آدم خوار به جاه و جلال تمام... ۵۹۳
- رفتن شهزاده ممتاز از طلسم هزارآفت به طلسم سرگردان... ۶۰۰
- آگاهی یافتن بوقلمون از خرابی طلسم سرگردان... ۶۰۰
- آمدن ایغورشاه پادشاه دیوزادان از بوستان ارم... ۶۰۰
- گفتن شهزاده احوال خود به ایغورشاه و اقرار نمودنش به رها کردن شهزاده... ۶۱۷
- رسانیدن طبّاخ ایغورشاه ممتاز را به لشکرش... ۶۲۲
- رفتن ممتاز از طلسم سرگردان به طلسم کامل و خرابش ساخته... ۶۲۶
- آگاهی یافتن بوقلمون از خرابی طلسم کامل و اسیری پسر خود افسرجادو... ۶۳۶
- رسیدن کندهرپسین، پسر راجه اندر از هوا... ۶۴۰
- طلب داشتن کندهرپسین لشکر خود را و افواج راحل بحری... ۶۴۵
- نگاه کردن شهزاده ممتاز در کتاب باطل السحر برای دفعه آتش... ۶۴۹

- بیخود شدن بوقلمون جادو از خرابی هر سه خندق..... ۶۵۵
- اشتہار یافتن خبر گم شدن شہزادہ ممتاز با ہر سہ سلاطین دیگر..... ۶۵۷
- گرفتن شہزادہ ممتاز قلعہ بوقلمون جادو و او را بہ قتل رسانیدن..... ۶۶۷
- روانہ شدن ممتازشاہ بہ فتح و فیروزی معہ رانی چندریدن..... ۶۷۱
- آمدن ملکہ فخر طلعہ از ملک راحل بحری بہ نزد ممتازشاہ..... ۶۷۴
- استفسار کردن مہاسندر از ملکہ بی نظیر سبب وقوف بر اشیای مطلوبہ..... ۶۸۱
- جلد ششم از کتاب بوسان خیال..... ۶۸۷
- مرخص شدن شہزادہ ممتاز از نزد ملکہ بی نظیر معہ ہر چہار ملکہ دیگر..... ۶۸۷
- طلب داشتن شہزادہ خواہ زمانشاہ و پیروشاہ و ملکہ ماء عذار..... ۷۰۰
- آمدن معتمدالملک، وزیر جمشیدشاہ، بہ اظہار ضعف خود پیش ممتاز..... ۷۰۴
- بردن شہزادہ رخت عروس را با اشیای ضروری متعارف و خلعت دامادی..... ۷۰۷
- آوردن مہتممان سرکار جمشیدشاہ اسباب خانہ..... ۷۰۹
- رفتن شہزادہ شب عروسی بہ خانہ ملکہ بی نظیر..... ۷۱۰
- مرخص کردن شہزادہ ممتاز سلاطین جن و انس را..... ۷۱۸

مقدمهٔ مصحح

شبه‌قارهٔ هند با جغرافیای طبیعی گسترده، کوه‌ها و جنگل‌ها، دریاها و باران‌های سیل‌آسا، رعد و برق‌های همیشگی، جانوران، حیوانات، و پرندگان عجیب، همراه با آداب و سنت‌های متفاوت هفتاد و دو ملتی که در این سرزمین پهناور زیسته و فعالیت کرده‌اند، مجموعه‌ای متنوع از فرهنگی را پدید آورده است که پُررمز و راز و سرشار از اسطوره‌ها و نمادهای گوناگون است.

در این فرهنگ، از پنج‌هزار سال پیش تاکنون، عنصر «خیال» نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است و افسانه‌ها با بهره‌گیری از عنصر خیال جایگاهی ممتاز یافته‌اند. مه‌بهارات‌های کهن، کلیله و دمنه (محبوب، ۱۳۴۹: ۹) و ده‌ها نمونه دیگر از این دست را می‌توان برشمرد که از این عنصر به زیبایی بهره جسته‌اند و همین عنصر خیال است که پس از حضور زبان و ادب فارسی در این سرزمین باعث پیدایش سبک هندی در شعر شده است و همچنین نگاهی انواع و اقسام قصه‌ها و داستان‌ها را به این زبان - با ذهن مردمی که پرواز تندر گسترده خیال و تصویرپردازی رؤیایی را تجربه کرده‌اند - میسر ساخته است.

زبان فارسی زبان مادری مردم شبه‌قاره نبود و آنان برای فراگیری و تقویت هر چه بیشتر این زبان داستان‌های منثور و منظوم را می‌خواندند و آموزش می‌دادند. چه بسا قصه‌های بلندی مانند حمزه‌نامه، اسکندرنامه با روایت‌های مختلف

دست به دست می‌گشت. همین توجه به داستان‌ها باعث شد که با خلاقیت پارسی‌نویسان هند صدها داستان کوتاه و بلند (منزوی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۹۱) به گنجینه ادبیات جهان ایرانی افزوده شود که نمونه آن داستان حاضر است.

میرمحمدتقی جعفری حسینی احمدآبادی

میرمحمدتقی جعفری حسینی احمدآبادی از شاعران و ادیبان و داستان‌پردازان فارسی‌نویس سه‌قاره هند، متخلص به «خیال» و مشهور به «خیال احمدآبادی» است. گرچه تاریخ دقیق تولد وی مشخص نیست، ولی می‌دانیم در شهر احمدآباد گجرات در سده دوازدهم هجری به دنیا آمده است. نسبت وی به شیخ محمد غوث گوالیاری (متوفی: ۹۷۰ق) می‌رسد. استاد وی میرمحمد افضل ثابت معروف به «ثابت الله‌آبادی» (متوفی: ۱۱۵۱ق) است که شاعر، ادیب، و فقیه بوده و دیوان شعر او شامل ده دوازده هزار بیت است. او در کتابخانه محمدشاه گورکانی (۱۷۰۲-۱۷۴۸ق) به شغل کتابداری مشغول بوده و در این دوره مدحیه‌هایی برای سرداران محمدشاه مانند نواب اسحاق‌خان سروده است. (اسحاق‌خان همان نوایی است که خیال را به محمدشاه معرفی کرد).

خواجه امان دهلوی برادرزاده شاعر معروف غالب دهلوی (متوفی: ۱۲۸۵ق / ۱۸۶۹م) پانزده جلد از این کتاب را در کتابخانه ریاست شهر الور هند دیده و به دستور راجه‌شیون سنگه به ترجمه آن‌ها به زبان اردو پرداخته است، ولی فقط دو جلد از آن ترجمه شده است و این ترجمه‌ها در کتابخانه‌ها موجود است. این دو

جلد به گجراتی نیز ترجمه شده است. بنا به نوشته استاد منزوی: «خیال داستان را برای کسی که او را دوست می‌داشت نگاشت و چون داستان او بر سر زبان‌ها افتاد، سالار جنگ نواب اسحاق‌خان خیال را نزد محمد پادشاه برد و شاه بدین دلیل کتابداری کتابخانه خود را به وی واگذار کرد، همراه با پانزده کاتب که خیال بتواند داستان را به صورتی گسترده بنویسند، ولی خیال تنها "اسماعیل‌نامه" و "مهدی‌نامه" را نگاشته بود که محمدشاه فوت می‌کند.»

بدین ترتیب، خیال پس از مدتی در اواخر سلطنت احمدشاه گورکانی (۱۱۶۱-۱۱۶۷ق) دهلی را رها کرده به مُرشدآباد بنگال رفت و در خدمت نوابان بنگال مانند سراج‌الدوله (۱۱۶۹-۱۱۷۰ق) و جعفرعلی‌خان (۱۱۷۰-۱۱۷۴ق) قرار گرفت.

سرانجام وی در سال ۱۱۷۳ق در مُرشدآباد بنگال درگذشت.

مهم‌ترین اثر وی داستان مفصل بوستان خیال است که آن را در سال ۱۱۵۵ق در شاه‌جهان‌آباد شروع کرد و چهارده سال طول کشید تا توانست در مُرشدآباد آن را به پایان برد. (اته، ۱۳۳۷: ۲۱۸)

بنا به نوشته استادانی مانند دکتر محبوب داستان وی بلندترین داستان در زبان فارسی محسوب می‌شود و در طول نزدیک به سه سده تاکنون نویسنده‌ای نتوانسته با او رقابت کند. این داستان دارای ۱۵ مجلد می‌باشد و از آنجا که نام کل کتاب بوستان خیال است مؤلف آن را به گلزارها، گلستان‌ها، و گلشن‌های

گوناگون بخش کرده است و چون قهرمان اصلی هر قسمت تغییر می‌کند عنوان‌های فرعی اسماعیل‌نامه، مهدی‌نامه، معزنامه، قائم‌نامه، و صاحب‌قران‌نامه را نیز برای آن‌ها قایل شده و تقسیمات کتاب چنان تودرتو است که در نخستین نظر راه بردن بدان‌ها چندان آسان نیست. (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۲۰)

براساس نوشته اته در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بادلیان (ذیل شماره ۴۸۰) در معرفی این اثر، بوستان خیال به سه بهار تقسیم می‌شود:

بهار اول با عنوان مهدی‌نامه شامل جلد‌های ۱، ۲، و ۳ است و درواقع مقدمه کل اثر است. در این بخش داستان فرمانروایی سلطان ابوالقاسم محمد مهدی و دیگر نیاکان و پیشینیان سلطان معزالدين نقل شده است.

بهار دوم یا گلستان اول معزنامه یا قائم‌نامه نامیده شده است و شامل جلد‌های ۳، ۴، ۵، و ۶ است. موضوع آن داستان فرمانروایی خلفه معزالدين القايم بامرالله است.

و اما بهار سوم یا گلشن دوم شامل جلد‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، و ۱۵ است که خورشیدنامه خوانده می‌شود. در این بهار داستان درباره دو فرمانروا است با نام‌های صاحب‌قران اعظم سلطان البيض شاهزاده خورشید تاج‌بخش و دیگری صاحب‌قران اصغر شاهزاده بدر منیر. بهار سوم خود به هفت کتاب تقسیم می‌شود. و جلد سوم این بهار به دو بخش تقسیم منقسم است و عنوان خاص «شاهنامه بزرگ» دارد. (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۲۰-۶۲۱. به نقل از اته)

در کتاب حاضر از پانزده مجلد بوستان خیال شش جلد آن گزینش شده است و هر یک از آن شش جلد نیز خلاصه شده است. این گزیده به نام «طرب‌المجالس» مشهور است.

موضوع داستان‌ها

موضوع اصلی داستان چگونگی عاشق شدن ممتاز، کوچک‌ترین پسر پادشاه، بر ملکه بی‌نظیر و از ملک خود برآمدن به طلب وی است که در این میان دچار غولان و نسناسان و پریان و ... می‌شود و سرانجام به شادی می‌رسد.

جلد اول: آغاز سفر شهزاده به همراه دمساز وزیر برای یافتن ملکه بی‌نظیر است. بر اثر حادثه‌ای این دو همراه از یک‌دیگر جدا می‌شوند و شهزاده به ملک ملکه بی‌نظیر می‌رسد و پنج شرط او را برای ازدواج می‌شنود و اولین شرط او را برآورده می‌کند.

جلد دوم: شهزاده برای طلب دوله راجرانی، شرط دوم ملکه بی‌نظیر روانه می‌شود و به دست قوم نسناسان گرفتار می‌شود. در آخر به یاری ملکه ماه‌عذار، خاله خود، و پرویزشاه شرط دوم را نیز عملی می‌کند.

جلد سوم: داستان برآوردن سومین شرط، یعنی آوردن چهارکشت یک‌دانه مروارید ملکه جهان‌بانو، است. در این جلد شهزاده طعمه اژدها می‌شود و در نهایت با قتل دیوارنانیس موفق می‌شود شرط سوم را به جا آورد.

جلد چهارم: شهزاده به شکل خواجه جهانگرد برای انجام دادن شرط چهارم - که آوردن ادھر محل یا معلق‌خانه خورشیدطلعت پری است - به راه می‌افتد و با پیروزی بر چارپهلو چارشانه خورشیدطلعت و معلق‌خانه را به دست می‌آورد.

جلد پنجم: شهزاده به دستیاری تاج‌الملوک کتاب باطل‌السحر را به دست می‌آورد. به وسیله آن طلسم‌های آدم‌ربا، سنگلاخ، نیرنجات، هفت‌جوش، هزارآفت، سرگردان، و طلسم کامل را یکی پس از دیگری می‌شکند و آخرین شرط را نیز به جا می‌آورد.

جلد ششم: شهزاده برای نداشتن مراسم شادی و دیدار با پدر و مادر خود روانه شهر خود می‌شود.

اسامی پادشاهان در داستان ایرانی و فارسی است. بوستان خیال با داستان‌های عامیانه فارسی شباهت‌ها و اختلافاتی دارد؛ شباهت‌ها از ویژگی‌های عام داستان‌های عامیانه، و خصوصاً داستان‌های پری‌وار است، و اما اختلافات ناشی از تبلور فرهنگ و جامعه هندی در داستان است؛ از این روی، این داستان می‌تواند بستر مناسبی برای پژوهش‌های تطبیقی و جامعه‌شناختی باشد.

نسخه‌های خطی بوستان خیال

استاد محجوب می‌نویسد:

این کتاب از لحاظ بزرگی حجم مانند ندارد و از یک قسمت آن یعنی «معزنامه» نسخه‌ای خطی در کتابخانه مجلس موجود است که دارای کمتر از دوهزار و

بیش از یک‌هزار و پانصد صفحه و قطعی بزرگ‌تر از قطع رحلی (نیم ورق) است.

نسخه خطی کامل این رمان طولانی که از پانزده جلد فقط یکی ناقص است در کتابخانه بادلیان به نشانه Corps. Or. D. 9-23 موجود است و نسخه دیگری شامل سوره جلد در ایندیا آفیس موجود است و بعضی نسخه‌های آن در موزه بریتانیا و در کتابخانه‌های برلین و مونیخ یافت می‌شود. (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۲۰؛ و نیز رک: مشرزی ۱۳۶۲-۱۳۷۰: ج ۶، ۱۰۵۳-۱۱۲۳؛ ۱۰۵۴)

نسخه‌های چاپی بوستان خیال

متن کامل بوستان خیال تاکنون چاپ شده است و فقط بخشی از آن در شبه‌قاره به چاپ رسیده است. چاپ‌های این متن بدین قرار است:

۱. چاپ سنگی، ۱۳۰۹ق، بمبئی، توسط میرزا محمد ملک شیرازی.

۲. چاپ لاهور، در سال ۱۹۶۴م.

۳. چاپ لاهور، در سال ۱۳۳۶ق، برابر با ۱۹۱۷م در مطبع کاشی‌رام، به فرمایش الهی‌بخش و محمد جلال‌الدین.

در میان این سه چاپ، نزدیک‌ترین آن به زبان مؤلف چاپ ۱۳۰۹ق ملک‌الکتاب شیرازی است که دارای کمترین غلط است و تصحیح ما براساس این چاپ و با مقایسه و تطبیق با دیگر چاپ‌ها و نسخه‌های خطی انجام پذیرفته است.

امید این که بتوان همه مجلدات بوستان خیال را به صورت کامل به چاپ رساند.

کتابنامه

اته، کارل هرمان، ۱۳۳۷، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب.

محبوب محمدجعفر، ۱۳۴۹، درباره کلیل و دمنه، تهران: خوارزمی.

_____، ۱۳۸۷، ادبیات عامیانه ایران، ۲ جلد در یک مجلد، ج ۴، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه.

منزوی، احمد، ۱۳۶۰-۱۳۷۰، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۶، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

_____، ۱۳۷۴، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۱، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ر.ک: فهرست اسامی کتاب‌ها و نسخه‌های این داستان‌ها را می‌توانید در مجلد اول فهرستواره کتاب‌های فارسی استاد منزوی، چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴، ملاحظه کنید.

Beale, Thomas William, 1975, *An Oriental*, biographical dictionary, Lahore, P.216.

سید کمال حاج سیدجوادی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

جهان جهان حمد مر خالق پاک را سزااست که به یک «کُن» دو جهان را با آن
جهان نعمت بی کران پیدا نموده و عالم عالم ثناء خاص رازق بی همتاست که دو
عالم را با وصف چنان کثرت از خوان الوان خود بهره بفرمود. ستایش بی کران
لایق کریمی است که انسان را از جمله مخلوقات برگزیده به خلعت خاص «و
لقد کرّمنا» سرفراز کرد. بیانش فراوان تحفه روزگار مصوری است که بر صفحه
روز آدمی را به تشریف احسن صورتی نظیر ساخته از دیگران ممتاز کرد.
ارجمندی دهی که حُسن را برآمد خوبی های زمان نموده عالمی را واله و
شیدای او ساخت. رفعت بخشی که عشق را پایه بلند نموده سرش را از عالم بالا
بالا برافراخت حقائق حقایق

بیت

هر چه گویم عشق از آن برتر بود عشق امیرالمؤمنین حیدر بود

بیت

هزار سال عبادت کند نمازی نیست کسی که عشق ندارد خدایش راضی نیست

مؤید این مقال و مؤسس این اجمال کلام شیخ بهاء الملة والدین است.

فرد

علم نبود غیر علم عاشقی مسابقی تلبیس ابلیس شقی

لیکن این صفت و ثنا و این مدح بی انتهای عشق حقیقی است نه عشق مجازی.

بیت

این حرف نمود ظایع بر غافل و دیوانه معشوق حقیقی اوست باقی همه افسانه

و این خلعت خاص و تشریف سراپا اختصاص بر قامت احدی راست نیامده
مگر بر پیکر شریف سرگروه جهان و جهانیان، باعث ایجاد کون و مکان.

بیت

سبب آفرینش عالم قبله دین عالم و آدم

سرور انبیا و اولیا حضرت محمد مصطفی و آل پاک او - علیهم السلام
والصلوة والتحية والثنا - که فی الحقیقه حلیان خدایند و در محبت و اطاعت آلهی
از جان و سر پروا ننموده عشق حقیقی را حُسن تحقیقی عطا فرموده منور
گردانیده‌اند و به سان خورشید که ماه را نورانی کند «نور علی نور» بخشیده‌اند.

بیت

عشق را با هر دلی نسبت به قدر جوهر است قطره [بر] گل کنبم و در قعر دریا جوهر است

به قول بزرگی

فرد

عشق حقیقی است مجازی مگیر این دم مار است نه بازی مگیر

بعضی از اکابر نیز [به] پیروی آن هادیان طریق خدا طی این منازل پر بیم و بلا
نموده قریب به سرمزل پی برده‌اند و خویشان را بلا تشبیه به خریداران یوسف
شمرده‌اند و اکثری از فقرای کامل و غیره در اول به منشاء

بیت

حقیقی عشق بازی سرفرازی است و لی این درس را ایجاد مجازی است
مشق نموده آخرش

بیت

نور مشق حقیقی بدل از یار فتاد عکس خورشید ز آئینه به دیوار فتاد
گفته را بدین می رساند و برخی به صورت پرستی عمر خود ضایع می سازند
و به فحوائی

بیت

نم لبیل ز هواداری عشق است بلند و رنه پیداست چه از مشت پری برخیزد
خود را در زمره عشقبازان کامل شامل می نمایند و قومی فعل شنیع ناشایسته
کثیف را که بدترین افعال و ناپاک ترین اقوال است عشق نام نهاده هما را با جغد
هم آشیانه و سیمرغ را با مرغان مزبله هم دانه شمرده شب و روز به آن می پردازند
و غافل از خوب و زشت و سرفرازی و نکونامی گشته سر مباحات به
فلک الافلاک می افزایند.

مصراع

بدنام کننده نکونامی چند

و طایفه ای به استماع قصص عشق دیگران تفریح مزاج می نمایند و از راست
و دروغ فرق ننموده داستان ها می سرایند؛ هر چند که دروغ بی فروغ باطل و
نارواست و

بیت

راستی موجب رضای خداست کس ندیدم که گم شد از ره راست

ولیکن پیش ابنای زمان در بعضی جاها خوش‌نماست، بلکه طرب‌افراست
علی‌الخصوص به سبب اظهار حدیث عشق

بیت

دو دروغ است که متحسن دوران شده است آن یکی شعر بود، وان دگری افسانه

هر چند که مطلقاً از راستی بهره ندارند و غیر از دروغ حرفی بر روی کار
نمی‌آرند لیکن این هر دو جنس گرانها دست‌مایه محافل و مجالس یاران و
منظور طبایع اهل زمان گشته است و نیز ضرری در هیچ اموری از آن عاید
نمی‌شود و هیچ نقصانی به بنی نوع انسانی نمی‌رسد، بلکه شکفتگی دل دوستان
و مستمعان می‌گردد. از این جهت قصه نوی که به اشتها کم آمده در سلک
تقریر کشیده تا به استماع آن از عجایب و غرایب عبرت گیرند و از لطف و
فضل جناب قاضی الحاجات و کافی‌المهمات در هر امر صعب امیدوار شوند و
سخت‌کوشی عشق در هر امور ناممکن ظاهر گردد.

بیت

به هر کاری که همت بسته گردد اگر خجاری بود گلدسته گردد

معلوم و مفهوم باشد که این مجموعه را موسوم به «بوستان خیال» نمودم.

بیت

به من گوش دارید ای سامعان که من می‌روم بر سر داستان